



---

# دوستی با خدا

گفت و گویی نامتعارف

---

نویسنده: نیل دونالد والش  
بازگردان: فرناز فرود

---

چاپ نخست: پاییز ۱۳۸۰

چاپ شانزدهم: تابستان ۱۴۰۰

---

شمارگان تا کنون: ۳۴۱۰۰ نسخه

---

والش، نیل دونالد، ۱۹۴۳ - م  
دوستی با خدا: گفت‌وگویی نامتعارف / نیل دونالد والش؛ بازگردان: فرناز فرود. تهران:  
حمیدا، کلک آزادگان، ۱۳۸۸.  
۳۵۲ ص.

ISBN: 978-964-6516-38-0

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

عنوان اصلی: Friendship with God: An Uncommon Dialogue, c1999.

چاپ شانزدهم: ۱۴۰۰.

۱. خدا -- مطالب گوناگون. ۲. زندگی معنوی -- مطالب گوناگون. ۳. دوستی -- جنبه‌های مذهبی.  
شناسه افزوده: فرود، فرناز، ۱۳۳۳ - . بازگردان.

رده‌بندی دیویی: ۱۳۳۹۳

رده‌بندی کنگره: BF۱۹۹۹/۲۰۹ ۱۳۸۸

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۱۲۹۰۱۳۷



امیرات حمیدا

دوستی با خدا  
گفت‌وگویی نامتعارف

ناشر همکار: کلک آزادگان

نویسنده: نیل دونالد والش  
بازگردان: فرناز فرود  
ویراستار: ریحانه فرهنگی  
طراح جلد: مجید حمیدا

لیتوگرافی: صدف  
چاپ: الوان  
صحافی: لاری  
پخش: گسترش فرهنگ و مطالعات

چاپ شانزدهم: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۵۱۶-۳۸-۰۰

قیمت: ۹۰۰۰۰۰ ریال

## پیش‌گفتار ناشر

هنگامی که مترجم ارجمند، انتشار کتاب حاضر را به این مؤسسه پیشنهاد کرد، در وهله نخست عنوان کتاب موجب سبب بروز پیش‌داوری‌هایی درباره آن شد، چرا که با توجه به تجربه حرفه‌ای خود پیش‌بینی می‌کردیم که چاپ و نشر این اثر موجب برانگیختن حساسیت‌هایی در افشار گوناگون خواهد شد. پس از مطالعه و بررسی متن کتاب دریافتیم که عنوان، سبک نگارش و شیوه خاص بیانی نویسنده نیز ممکن است شبهه‌آفرین باشد.

از این‌رو تصمیم گرفته شد که جهت سنجش نحوه اثرگذاری کتاب، مطالعه آماری صورت گیرد. برای برآوردن این منظور آثار پیشین این نویسنده و همچنین بخش‌هایی از کتاب حاضر را که به فارسی ترجمه شده بود، در بونه نقد تعدادی از صاحب‌نظران و جامعه تصادفی آماری - که تقریباً از میان تمامی افشار اجتماعی برگزیده شده بود - نهادیم (کتاب قبلی والش با عنوان «گفتگو با خدا» که مدت‌ها پیش در بازار کتاب عرضه شده بود نیز از لحاظ عنوان و مضامین همان سبک خاص نویسنده را دربرداشت). پس از تجزیه و تحلیل و بررسی داده‌های آماری دریافتی، به این نتیجه کلی رسیدیم که ۹۷٪ مطالعه‌کنندگان واژه «گفتگو» را که در متن کتاب برای القای

مفهوم ارتباط با خداوند توسط نویسنده به کار گرفته شده است، به معنای حقیقی آن که در واقع بعید و پوشیده می‌نمود، دریافته‌اند. آنها قادر بودند به روشنی توضیح دهند که منظور اصلی نویسنده از کاربرد واژه «گفتگو» مفهوم نزدیک و ظاهری آن یعنی محاوره و گفت و شنود نمی‌باشد، بلکه راز و نیاز مخلوق با خالق مدنظر او بوده است.

برداشت اجمالی این اکثریت مطلق چنین بود که در حقیقت هنگامی که تکرارنده در مواجهه با مشکلات زندگی و به بن‌بست رسیدن‌های متعدد، با فروتنی به «رنگار پروردگار» رو کرده و از اعماق وجودش از او استمداد طلبیده است، خداوند مهربان نیز راحل‌هایی را برای رهایی و نجات او از تنگنایی که در آن قرار داشت، پیش‌پا پیش نهاده است. آنها با توضیحات افشاگرانه خود نویسنده درباره‌ی نیاز مبرم مردم آمریکا به معنویت، به خوبی درک کرده بودند که در چنین جامعه‌ای مسلماً سطح آگاهی و فرهنگ مردم محروم‌مانده از عنای مذهبی تا اندازه‌ای نازل است که نخبگان و سرآمدان آن، از جمله دونالد والش ناگزیر هستند برای باری رساندن به درک ژرف‌تر و شفاف‌تر حضور و نمود امدادهای الهی در جریان عادی زندگی از الفاظ ساده و آشنایی نظیر «گفتگو» استفاده کنند. از میان این جامعه آماری فقط ۳٪ افراد مورد بررسی اشکالاتی را بر واژه به کار رفته «گفتگو» در متن کتاب وارد می‌دانستند. از این رو بر آن شدیم تا با آوردن توضیحاتی پیش از متن اصلی ابهام این عده معدود را نیز برطرف سازیم.

زیبانی که «دونالد والش» آمریکایی با آن معبود یگانه جهان را به وصف می‌کشد و می‌سپاید برای ما نامألوف و بیگانه است، چرا که او از جهان غربت انسان می‌گوید و از زمانه‌ای که به جای پاس‌داشت بخش‌بخش خدای گونه آدمیان آنها را به درون دهلیز رعب‌انگیز روزمرگی و برآوردن نیازهای مادی صرف رانده‌اند.

با خواندن مناجات نامتعارف این نویسنده آمریکایی، رذخون بشریت را در دنیایی رو به زوال پی‌خواهید گرفت که در آن کودکان مدارس به روی هم آتش می‌گشایند و در پوچی و پرده‌داری برنامه‌های منحنی تلویزیونی و بازی‌های کامپیوتری مسخ می‌شوند. از ورای ناله‌های جانسوز دونالد شما فریاد مردمی را می‌شنوید که خدای خود را گم کرده‌اند و او را حتی در

کلیساهای آمریکایی هم نمی‌بایند. از این روست که زبان والش برای ما ناآشناست، چرا که برای فهم الفبای آن باید با طعم شرنگک وحشت آمیخته در زندگی آمریکایی آشنا شویم و این همان فراز آموختنی این کتاب است!

از میان چنین مردمی هراسان و خطاب به آنهاست که نویسنده از دوستی با آفریدگار و در حقیقت بازگشت به سوی او می‌گوید و این داروی درد راناگریر چنان واگو می‌کند که شیرینی آن در کام مردمی مبتلابشید و تلخی از خود بی‌خبری‌ها و از اصل شدن‌ها را برآید. پس ادراکات قلبی خود را به عنوان یک انسان رهبافته در قالب گفتگویی دوستانه می‌ریزد، چرا که درک کرده است؛ جنون بشریت به ظاهر مرفه، اما از درون مضطرب جامعه‌ای که به آن تعلق دارد آنچنان از حد گذشته که برای فرونشاندن تنش و تشویش آن زبان کودکی باید گشاد.

بی‌گمان در انتشار این اثر، تأکید خاصی بر ذهن هوشمند خوانندگان که پرورده فرهنگ رشید ایران و مکتب والای اسلام هستند - بوده است که با وسعت نظر و تیزبینی یک مؤمن مسلمان قادر به دیدن حجاب ظاهری سخنان این نویسنده آمریکایی و دریافت مغز گفته‌های او خواهد بود، چرا که با استاد به نص صریح قرآن کریم که می‌فرماید:

«وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِمَةَ اللَّهِ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُذِنُ لَهُ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ»

و هیچ بشری را نرسد که خداوند با او سخن گوید مگر از راه وحی، یا از پشت پرده‌ای؛ یا فرشته‌ای بفرستد و آنچه می‌خواهد به اذن خویش وحی کند که اولئدمرتبه فرزانه است.

سورة النوری - آیه ۵۱

می‌دانیم که خداوند تنها از طریق وحی، آن هم فقط با رسولان برگزیده خود که آخرین آنها پیامبر گرامی اسلام - حضرت محمد (ص) - بوده، سخن گفته است.

چنانچه خود نگارنده در آغاز کتاب «دوستی با خدا»، ماهیت حقیقی رابطه با خداوند را که در واقع باید آن را بازگشت به سوی پروردگار و توکل و مشورت با او در همه امور، حتی در جزئی‌ترین آنها دانست - و والش برای سهولت درک مخاطبانش این کنش را گفتگو نامیده است - با صراحت شرح داده و بیان می‌دارد که هر یک از ما انسان‌ها به شیوه خودمان،

در زمان‌های گوناگون و به روش‌های مختلف، گفت‌وگو با خدا را تجربه کرده‌ایم. گفت‌وگو همواره دوجانبه است و می‌تواند در ذهن انسان، بر کاغذ و یا شیوه‌های دیگر تجربه شود. هنگامی که به نظر می‌رسد پاسخ خداوند اندکی طولانی شده است، می‌توان آن را در شعری که می‌شنویم، فیلمی که می‌بینیم، سخنرانی‌ای که در آن شرکت می‌کنیم، مقاله‌ای که در یک مجله می‌خوانیم و یا سخنان اتفاقی دوستی که ناگهان در خیابان به او برخورد می‌کنیم، دریافت نماییم.

در واقع آنچه را که ما مشرق‌زمینی‌ها «پیام دل» می‌خوانیم، نشانه‌هایی است که گناه همچون کرشمه‌های دلدار با ایما و اشاره و توسط افراد گوناگون و رویدادهای روزمره پیش روی انسان‌ها قرار می‌گیرد و در واقع هدایت‌های مداوم خداوند در مسیر زندگی ما می‌باشد. در قرآن مجید نیز بارها به تعمق و اندیشیدن در مورد آیات و نشانه‌هایی که برای صاحبان عقل و تفکر قرار داده شده، سفارش و تأکید شده است. چنانچه کلام مبارک قرآن کریم نیز در این زمینه بیان می‌دارد:

«هر آینه در آسمان‌ها و زمین نشانه‌های عبرتی برای مؤمنان است.»

سورة الجاثیه - آیه ۳

والش در سطور دیگر همین کتاب راز و نیاز خود را با پروردگار این گونه توصیف می‌کند: «هنوز قلم به کاغذ نرسیده بود که فکری به ذهنم خطور کرد. این فکر با آوایی به من گفته شد: نرم‌ترین، مهربان‌ترین و آرام‌ترین آوایی که به عمرم شنیده بودم، اها صدایی در میان نبود...»<sup>۱</sup>

پس جای شبهه‌ای وجود ندارد که والش الهامات قلبی و ندای باطنی خود و نشانه‌هایی را که خداوند در مسیر هر انسانی قرار می‌دهد و او به فراست آنها را در تجارب شخصی‌اش لمس کرده و دریافته است، به صورت گفت و شنودی دو سویه و انسان‌وار بیان می‌کند تا بتواند به یاری طنز و ساده‌نویسی مورد پسند عامه کشورش پیام حق‌جویی را در گوش‌های ناآشنای

مردم دور افتاده از ساحل نجات بنشانند.

در واقع عبارات و تعابیر نامأنوس متن، نظیر یگانگی با خدا و رسیدن به او و نشان دادن آفریدگار بی همتا در جایگاه دوست صمیمی انسان که در ظاهر به هیچ رو با تعالیم اسلامی ما مطابقت ندارند، باید با زبان دل مسلمان آگاه ترجمان شوند تا در جایگاه حقیقی خود از لحاظ مضمون فرار گیرند. چنانچه در لابه لای راز و نیاز نویسنده در همین کتاب می خوانیم: اگر مردم ببینند که من در تو هستم، آنگاه متوجه می شوند که در آنها نیز حضور دارم، در اینجا با تأکید ویژه ای که در عبارت «من در تو هستم» شده است، دیدگاه «الش» در مورد کیفیت یگانگی با خدا کاملاً آشکار می گردد. چرا که او نمی گوید، من، تو هستم بلکه تأکید می کند: در تو هستم. از این منظر است که در می یابیم منظور اصلی والش همانا «یخودن» راه حق در مسیر تعالی و واصل شدن به احدیت و عین لطف و عشق بودن ذات حق و تأکید بر امانتدار بودن انسان به واسطه دمیدن نفحات الهی در روح اوست. همان گونه که در «سوره حجر» - آیه ۲۹ به روشنی آمده است:

«... و در آن از روح خود دمیدم...»

اینک علت و ریشه این تفاوت در برداشت و بیان مطالب را باید در گوناگونی نحوه نگرش و دریافت حسی شرقی یا غربی - که در واقع بر پایه «سابقه تاریخی کوشا مدت، ضعف فرهنگی و عدم وجود واژگان معنوی مناسب در زبان مغرب زمینی ها به وجود آمده است - جست و جو کرد.

در نهایت، با دل سپردن به این آیه شریفه قرآن مجید که می فرماید: «بشارت بده به کسانی که قول ها را می شنوند و سپس از میان آنها بهترین را انتخاب می کنند» به نشر این کتاب اقدام شد. باشد تا مطالعه آن امکان مقایسه موشکافانه و دقیق تر فرهنگ میرای زور و زرپرستی را در قبال فرهنگ شکوفای اسلامی برای معتمدان پژوهشگر فراهم آورد تا با آگاهی ژرف تری شکرانه زاده شدن و زیستن در جامعه ای توحیدی را به جای آورند، فرهنگی که باعث

شده است هر لحظه و هر روز مردم مبتلا به آن بیش و بیشتر از گذشته به سوی بهت و پوچی سوق یافته و حتی اندیشمندان جهان غرب را به تأمل و چاره‌جویی که همانا کارآمدترین آن بازگشت به دین، مذهب و ذات اقدس پروردگار یکتاست، وادارد.

مجید حمیدیا

تایستان ۱۳۸۰

mikhanam.com